

در رکابِ حسین

«فَإِذَا مُخِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ»

آنگاه که آزمایش شوند، دینداران اندک خواهند بود. بحارالانوار - ج ۴۴ - ص ۲۸۳

پسر نوح غرق شد؛

وقتی که پدرش، از بلندای کشتی، دست‌هایش را

برای گرفتن دست او دراز کرده بود...

«فَإِذَا مُخِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ»

امام، راهنماست

راهنما، بونه‌ی امتحان است

زمان آزمایش است

سنجه‌ی سلامت روح است...

امام کشتی نجات است

او بر فراز سیل پیش می‌رفت

و دستانش را برای بالا کشیدن همگان می‌گشود...

«فَإِذَا مُخِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ»

چه کم بودند آن‌ها که خود را نجات دادند

چه کم بودند آن‌ها که فهمیدند حسین، فرصت رستگاریست

فرصت پاک کردن گذشته

و از نو ساختن...

در رکابِ حسین

چه کم بودند آن‌ها که فهمیدند حسین

یاری نمی‌خواهد!

برای کمک خواستن نیامده!

آمده برای نجات دادن...

برای برآوردن روح نیمه‌جان شده‌ی غریق، از سیل دنیا...

«فَإِذَا مُخَّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ»

عُبَيْدُ اللَّهِ بن حَزْرَجُ عَفِی در پاسخ امام

اسب و شمشیرش را پیش‌کش کرد و گفت:

«مرگ در نفس من ناخوش است»

گویی جاودانه بود او بر زمین!

خیال کن اصلا قرار نبود بمیرد این مرد...

که گفت:

«اگر شما را یاری کنم، همان اول، پیش رویتان کشته خواهم شد.»

«فَإِذَا مُخَّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ»

مرگ حق است و سرانجام اتفاق می‌افتد

اما چگونگی آن را خود رقم می‌زنیم!

زُهِیر بن قَیْن هر آنچه که داشت را رها کرد

و گفت:

«اگر قرار بود جاودانه زنده باشم، باز هم شهادت در کنار شما را انتخاب می‌کردم.»

در رکاب حسین

«فَإِذَا مُخِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ»

هر دو از بیراهه رفته بودند این مردان
هر دو خود را از کاروان حسین دور می‌داشتند
هر دو تا پیش از دیدار امام، خوش نداشتند این ملاقات را
اما پس از دیدار...

«فَإِذَا مُخِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ»

مرگ حق است و سرانجام اتفاق می‌افتد
اما چگونگی آن را خود رقم می‌زنیم...

امام، فرصت زیبا مردن بود
فرصت شهادت!
که منت بر سر صحرا گذاشته بود...
نسیم بهشت بود او
رایحه‌ی خوش باران بود
که بر تمام چادرها وزید...
چه کم بودند آن‌ها که دست‌هایشان را گشودند
به گرفتن دست‌های او...
آب شور فرو داده را
دنیا و هرچه در او بود را
قی کردند و از جام ساقی کوثر بیاله گرفتند

در رکابِ حسین

«فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ»

چه کم بودند آن‌ها که فهمیدند امام اگر یاری می‌خواهد
منتی‌ست بر سر زمین...
یاری خواستن او برای نیاز ماست،
نه احتیاج او!

نوح اگر دست گشوده از لبه‌ی کشتی،
به نجات مردمان گشوده...
نه به نیاز خود!

«فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ»

عُبَيْدُ اللَّهِ بنِ حَرِّ جَعْفِي
سالیان سال پس از عاشورای سال ۶۱ هجری، در فرات غرق شد...

و زُهَيْرِ بنِ قَيْنِ بَجَلِي در عاشورای سال شصت و یک هجری
از دریای شور دنیا به کشتی حسین پناهنده شد و نجات پیدا کرد...

آری؛ آنگاه که آزمایش شوند،
دینداران اندک خواهند بود...

"نویسنده: سیده حاتمه سید زاده"

"واحد رسانه موسسه منتظران منجی (عج)"